

نظریه بطلان دلیل در فرایند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)

دکتر عباس تدین^۱

چکیده

مسئولین تحقیق و تحصیل دلیل در فرایند دادرسی کیفری ملزم به رعایت اصول و قواعدی هستند که قانونگذار پیش‌بینی نموده است. مشروع و قانونی بودن دلیل به تنهایی برای ارائه آن به دادرس کافی نیست و افزون بر آن، دلیل باید با رعایت قانون تحصیل و کسب شده باشد چرا که مهمترین دلیل در اثبات یک واقعه مجرمانه، چنانچه در تحصیل آن، ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته شده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌شود و چه بسا مسئولیت کیفری یا انضباطی برای تحصیل‌کننده آن، به دنبال داشته باشد. نظریه «بطلان دلیل» از یک سو، به دنبال تضمین رعایت قواعد دادرسی به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا بویژه متهم

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

است و از سوی دیگر، به دنبال پیشگیری از عدم رعایت این قواعد و واداشتن مجریان عدالت کیفری به تبعیت از آنهاست. در حقوق کیفری ایران، به صراحت به موضوع بطلان ادله کیفری و آثار آن توجه نشده است ولی در آیین دادرسی کیفری فرانسه مقررات چندی در این خصوص دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دادرسی کیفری، ادله کیفری، بطلان دلیل، اصل مشروعیت تحصیل دلیل، دعای بطلان.

مقدمه

عدم رعایت برخی از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی‌های کیفری مانند اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌تواند ادله‌ی تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار قرار دهد و مسؤولیت کیفری یا انضباطی به دنبال داشته باشد. همانگونه که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری با دقت خاصی، قواعد و مقررات و روش جستجوی ادله‌ی جرم را تعیین و تبیین می‌نماید، باید ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول و قواعد قانونی را که سیستم دادرسی موظف به تبعیت از آنهاست نیز مشخص نماید. «دعای بطلان» ادله‌ی تحصیلی به علت عدم رعایت این قواعد و مقررات، دعوایی است که در آنها قانونگذار و رویه‌ی قضایی، به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذینفع و منافع اجتماع است. در حقیقت، باید از یک طرف، رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا تضمین نمود و در نتیجه به آنها اجازه‌ی درخواست بطلان اعمال و اقداماتی را که در جریان آنها، قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند داد و از طرف دیگر، با طرح «تثوری بطلان»، از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری و مجریان عدالت را به رعایت بهتر قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن، عملکرد آنها را در معرض بطلان قرار دهد، واداشت. تردیدی وجود ندارد که «قانونگذار نمی‌تواند از نقض قواعد و مقررات پیش بینی شده برای تضمین رعایت قانون و چگونگی تهیه و اثبات دلیل جلوگیری نماید ولی می‌تواند آثار آن را با منع دادرسان از پذیرش اعتبار و ارزش ادله تحصیلی از طرق غیرقانونی و نامشروع، از بین ببرد». (pradel, ۲۰۰۷: ۴۸۱) به همین علت، قانونگذار

اینگونه از ادله را «غیرمفید» یا «نامعتبر» می‌خواند.^۱

هر چند در حقوق کیفری ایران به این موضوع کمتر توجه شده است ولی در ارتباط با ادله نامشروع و غیرقانونی، در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه، ضمانت اجراهای چندی پیش‌بینی شده است. برخی از این ضمانت اجراها جنبه‌ی فردی دارد و علیه پلیس یا مقام قضایی خاطی اتخاذ می‌گردد. بعضی دیگر، یک تدبیر کیفری ماهوی به نفع متهم و مبنی بر تخفیف مجازات است که به ندرت به مرحله اجرا در می‌آید ولی مهمترین و موثرترین اقدام، یک تدبیر دادرسی است که مبتنی بر رد اتهام و سلب اعتبار از دلیل است.

عدم رعایت قواعد دادرسی در هنگام جستجو و جمع‌آوری دلیل، ادله‌ی تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار و ارزش قضایی قرار می‌دهد. «بطلان، مجازات عدم رعایت شرایط اعتبار اعمال حقوقی است و عمل باطل شده، فرض می‌گردد که هرگز وجود نداشته است». (Anonyme, ۲۰۰۵: ۷۸) هرچند در بین کشورهای مختلف در ارتباط با ادله‌ی تحصیل شده با نقض قواعد دادرسی، رویه‌ی واحدی وجود ندارد و به تبع آن در مورد حدود سلب اعتبار از دلیل نیز اختلاف نظر دیده می‌شود. ولی به طور کلی با توجه به آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان انواع بطلان را به چند مورد شاخص تقسیم کرد. (بند اول) سپس بر همین مبنا، قلمرو بطلان یا حدود سلب اعتبار از دلیل (بند دوم) و آیین دادرسی حاکم بر آن (بند سوم) و در نهایت، مجازات اعمال باطل‌کننده دلیل (بند چهارم) را بررسی نمود.

بند اول. انواع بطلان

علت بطلان ادله را باید در نقض یکی از قواعد دادرسی جستجو کرد. در واقع بی-اعتباری دلیل و صدور حکم بر بطلان آن، به طبیعت قاعده‌ای که رعایت نشده است، بستگی دارد. هر چند بطلان ادله یا فرایند دادرسی در حقوق کیفری ما پیش‌بینی نشده است ولی اصل ۳۸ قانون اساسی، شهادت، اقرار و سوگندی را که تحت اجبار کسب

۱. ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا مقرر می‌دارد «ادله تحصیلی با نقض ممنوعیت‌های قانونی، نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد» و رویه‌ی قضایی این ادله را در کلیه مراحل دادرسی غیرمفید یا به عبارتی، فاقد اعتبار دانسته است. (Chiavario, ۱۹۹۹: ۳۵)

شده باشد فاقد ارزش و اعتبار و در حقیقت باطل دانسته و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اینگونه ادله را فاقد حجیت شرعی و قانونی خوانده است. در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز جز ضمانت اجرای انتظامی و کیفری در پاره‌ای از موارد^۱، در مورد بطلان ادله‌ی تحصیلی از طرق نامشروع یا با نقض قواعد دادرسی مقررهای دیده نمی‌شود. فقط در تبصره ماده ۲۳-۱۲۵ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری «سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب بطلان تحقیقات» دانسته شده است و در ماده ۳۳-۱۲۱ همین لایحه به نظر می‌رسد پاسخ سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام را غیرقابل استناد در فرایند دادرسی و در نتیجه فاقد ارزش قضایی و باطل دانسته است.^۲ به هر حال، استناد به ادله‌ای که با عدول از قواعد و مقررات قانونی تحصیل شده‌اند، در صورتی که باطل اعلام نگردند و مبنای تصمیم دادرس و انشای رای قرار گیرند، می‌تواند به «ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه» یا «ادعای مخالف بودن رای با قانون» مبنای تجدیدنظر خواهی قرار گیرند.

با بررسی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان با توجه به ماهیت قاعده‌ای که رعایت نشده و اهمیت آن، انواع بطلان را به سه دسته تقسیم کرد:

اول. بطلان های منصوص (قانونی)^۳

گاه قانونگذار خود موارد بطلان را در متون قانونی پیش‌بینی می‌کند. ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، علت بطلان قانونی را «نقض شیوه‌های تجویز شده‌ی قانونی دارای ضمانت بطلان» دانسته است. هر چند قانونگذار فرانسوی از ماده ۱۷۰ تا ۱۷۴-۱ را به موضوع «بطلان تحقیقات» اختصاص داده است ولی در این مواد، مصادیق

۱. ر.ک به مواد ۱۶، ۲۰ و ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۵۷۰ و بعد از آن، قانون مجازات اسلامی.

۲. ماده ۳۳-۱۲۱ لایحه آیین دادرسی کیفری: «استفاده از کلمات موهن، سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالاتی که خارج از موضوع اتهام است، در بازجویی‌ها ممنوع است و در صورت انجام، قابل استناد قضایی نیست...». ماده ۸-۱۲۱ این لایحه نیز، گزارش ضابطان که برخلاف اوضاع و احوال یا ضوابط و مقررات قانونی تهیه شده باشند را از سوی مراجع قضایی قابل استناد نداشته است.

۳. Les nullités textuelles.

بطلان منصوص را ذکر ننموده است. با کنکاش در میان مواد قانونی، به راحتی می‌توان برخی از مصادیق این نوع بطلان را شناسایی کرد: ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد بازدیدهای خانگی و بازرسی در چارچوب جرایم مشهود به منظور تحصیل دلیل مقرر می‌دارد «به جز مواردی که از داخل خانه اعلام می‌شود یا استثنای پیش‌بینی شده در قانون، تفتیش و بازرسی از محل اقامت اشخاص، قبل از ساعت ۶ صبح و بعد از ساعت ۲۱ شب امکان پذیر نیست. عدم رعایت تشریفات مذکور در ماده ۵۶، ۱-۵۶ و ۵۷ و ماده حاضر دارای ضمانت اجرای بطلان است». پس عدم رعایت تشریفات مذکور در این مواد، محکوم به مجازات بطلان در مفهوم ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری یعنی بطلان منصوص شده است. نمونه دیگر بطلان منصوص یا قانونی را می‌توان در خصوص عدم رعایت شیوه‌های قانونی در خصوص رهگیری خطوط ارتباطی اقامتگاه و محل کار نمایندگان یا سناتورها یا وکلای دادگستری یا دادرسان دادگاه ملاحظه نمود که براساس بند آخر ماده ۷-۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری «عدم رعایت شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده‌ی حاضر» رسیدگی را در معرض بطلان قرار می‌دهد.^۱ همچنین عدم رعایت ضوابط و مقررات قانونی در خصوص تفتیش بدنی، توقیف‌ها، بررسی هویت منجر به بطلان قانونی تحقیقات می‌گردد.^۲

دوم. بطلان‌های ذاتی یا بالقوه^۳ (قضایی)

مصادیق این بطلان‌ها برخلاف دسته نخست، توسط قانون پیش‌بینی نشده است و رویه‌ی قضایی آنها را تعیین می‌کند. «عدم رعایت تشریفات اساسی»^۴، پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون^۵ آیین دادرسی کیفری علت بطلان ذاتی دانسته شده است و رویه قضایی معتقد است علی‌رغم وجود بطلان‌های قانونی، اهمیت کافی برای توجیه چنین بطلان‌هایی وجود دارد. (Delmas-Marty, ۱۹۹۵:۵۲۵) بنابراین نقض تشریفات اساسی دادرسی و منافع اساسی اصحاب دعوا مانند حقوق دفاعی متهم و تضمینات مربوط به

۱. در مواد ۱۱۱-۱۳، ۱۱۱-۱۵، ۱۱۱-۱۱، ۲۱۲-۱۱ و ۲۱۲-۷۵ قانون دادرسی کیفری مسجل فرانسو نمونه‌های از بطلان منصوص دیده می‌شود. (تدین، ۱۳۸۶: ۱۰۰ و ۱۵۰)

۲. Voir les articles ۵۹, ۷۶, ۹۵ et ۹۶ c.pr.pén.

۳. Les nullités substantielles ou virtuelles.

۴. Art. ۸۰۲. c.pr.pén.

۵. Art. ۱۷۱. c.pr.pén.

تحت نظر باعث بطلان ذاتی ادله تحصیلی می‌گردد. (Fourment, ۲۰۰۷: ۵۲) رویه‌ی قضایی برای اولین بار براساس بند ۲ ماده ۴۰۸ قانون تحقیقات جنایی، تحت شرایط خاصی اجازه بطلان اعمال مربوط به دادرسی جلسه دادگاه «هر چند که مجازات بطلان از نظر متون قانونی به فقدان تشریفات مربوط نباشد» (Crim., ۲۷ nov. ۱۸۲۸: Bull.crim.n° ۳۱۱) را می‌دهد و به این ترتیب، دیوان عالی کشور در آرای خود مصادیق بطلان بالقوه را تعیین می‌نماید؛ (Vergès, ۲۰۰۷: ۲۳۹) مثلاً، شعبه جنایی می‌تواند تصمیم بگیرد که دعوت وکیل متهم یا مدعی خصوصی در آدرس قدیمی نامعتبر منجر به بطلان بازجویی متهم یا استماع مدعی خصوصی در غیاب وکیل می‌گردد.

(Cass.crim., ۱۶ mai ۱۹۷۴: Bull.crim.n° ۱۸۱) پس مقررات راجع به دعوت وکیل، مقررات اساسی محسوب می‌شود. برعکس، عدم ذکر نام نماینده دادرسی بر روی پیش نویس تصمیم دادگاه، نقض تشریفات اساسی دادرسی محسوب نمی‌گردد. (Cass.crim., ۲۶ fé v. ۱۹۷۰: Bull. Crim.n° ۸۱) اما به طور کلی، شیوه‌هایی که نقض آنها، به حقوق دفاعی اشخاص لطمه وارد آورد، از دیدگاه شعبه جنایی دیوان عالی کشور، منجر به بطلان ذاتی یا بالقوه می‌گردد. در واقع بطلان‌های قانونی و قضایی برای حمایت از منافع اشخاص پیش‌بینی شده‌اند (موضوعی که به صراحت در مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده است) و همانگونه که خواهیم دید نیاز به شکایت اصحاب دعوا دارند.

سوم. بطلان‌های مربوط به نظم عمومی^۱

هر چند در رویه‌ی قضایی قدیم فرانسه و آثار برخی از نویسندگان (Ibid: ۲۳۹; Guinchard et Buisson, ۲۰۰۷: ۹۰۳)، این دسته‌ی از بطلان‌ها، جز بطلان-های ذاتی یا قضایی قرار گرفته‌اند و در واقع، بطلان‌های ذاتی به دو دسته‌ی بطلان‌هایی که به عدم رعایت اصول مربوط به نظم عمومی مربوط می‌شوند و بطلان‌هایی که به حقوق دفاعی لطمه وارد می‌آورند، تقسیم شده‌اند، اما برخی دیگر از حقوقدانان (Fourment, ۲۰۰۷: ۵۱; pradel, ۲۰۰۷: ۷۲۰) با تفکیک منافع خصوصی از منافع عمومی،

۱. Les nullités d'ordre public.

با این اعتقاد که مجازات بطلان در پاره‌ای از موارد، تابع نقض منافع خصوصی اشخاص نیست و بالتبع نیاز به شکایت آنها ندارد، بلکه به علت صدمه به منافع عمومی و «عالی سازمان قضایی» می‌تواند راساً مطرح گردد،^۱ «بطلان‌های مربوط به نظم عمومی» را از سایر موارد جدا نموده‌اند. مصادیق بطلان‌های ناشی از لطمه به نظم عمومی را نیز رویه قضایی مشخص می‌کند و بر همین اساس نیز بطلان مربوط به نظم عمومی در مفهوم مضیق به معنای «نقض مقررات راجع به صلاحیت دادگاه‌ها، سازمان و ترکیب آنها، شیوه‌ها و مهلت‌های اعتراض» تعریف شده است. (Fourment, ۲۰۰۷: ۵۴) عدم صلاحیت محلی یا ذاتی بازپرس (Cass.crim., ۱۱ avril ۱۹۵۹: Bull.crim.n° ۲۱۳) _____
فقدان تاریخ

(Cass.crim., ۲۴ avril ۱۹۷۱: Bull.crim.n° ۱۱۵) یا امضای سند توسط بازپرس (Cass.crim., ۱۳ nov. ۱۹۶۸: Bull.crim.n° ۲۹۴)، عدم امضای دستور تعیین بازپرس، فقدان سوگندکارشناس، اتیان سوگند توسط محکوم، فقدان هر نوع بازجویی از متهم در جریان تحقیق و عدم اعلام تمدید مدت تحت نظر (Crim., ۳۰ janv. ۲۰۰۱: Bull.crim.n° ۲۶) همگی از مصادیق لطمه به نظم عمومی برآورد شده‌اند.

توجه به متن ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد «عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون حاضر یا دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری» موجب بطلان ادله‌ی تحصیلی یا فرایند دادرسی می‌گردد، این سوال را در ذهن مطرح می‌کند که موارد بطلان خارج از قانون آیین دادرسی کیفری و مذکور در دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری کدامند؟

رویه‌ی قضایی در پاسخ به این سوال، موارد چندی را مطرح نموده است که مهمترین آنها نقض اصل کلی مشروعیت تحصیل ادله است. (Cass.crim., ۲۷ fév. ۱۹۹۶: Bull.crim.n° ۹۳) عدم رعایت مقررات قانون گمرک درباره بازدیدهای خانگی (Crim., ۲ Juin ۱۹۸۶: Bull.crim. n° ۱۸۵) یا عدم رعایت ضوابط مذکور در ماده ۵۰ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ درباره آزادی مطبوعات، در متن

۲. البته این امر مانع از آن نیست که بازپرس، دادستان شهرستان و اصحاب دعوا از شعبه تحقیق تقاضای صدور بطلان دادرسی به علت لطمه به نظم عمومی را درخواست نمایند. Art. ۱۷۰ et. ۱۷۳.C.pr.pén.et suiv.

درخواست مقدماتی دادسرا (Bull.crim. n° ۲۰۵: ۱۹ mai ۱۹۸۷, Crim.) را رویه قضایی از مصادیق موارد بطلان خارج از مقررات قانون آیین دادرسی کیفری دانسته است. نکته دیگری که نباید فراموش کرد، اینست که منبع بطلان ادله‌ی تحصیلی یا تحقیقات می‌تواند در نقض تضمینات پیش‌بینی شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یافت شود. شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه تا حدودی با بطلان فرایند دادرسی به علت عدم رعایت تضمینات قراردادی مخالف است و اذعان می‌دارد که «عدم رعایت تضمینات کنوانسیون فقط حق توسل به دیوان اروپایی را ممکن می‌سازد و در مجموعه باعث بطلان تحقیقات نمی‌گردد» (Cass.crim., ۲۹ avril ۱۹۹۶, Fourment, ۲۰۰۷:۵۳). هر چند در آیین دادرسی کیفری ایران، در خصوص بطلان ادله تحصیلی یا بطلان تحقیقات و فرایند دادرسی مقررات واضح و روشنی وجود ندارد، ولی همانطور که گذشت، عدم رعایت برخی از قواعد و مقررات دادرسی می‌تواند از جهات درخواست تجدیدنظر از آرای مراجع کیفری قرار گیرد و رویه قضایی ایران نیز در پاره‌ای از آرای خود، عدم رعایت این تشریفات را نه به عنوان ابطال فرایند تحقیق و دادرسی، بلکه به عنوان دلیلی برای نقض و رسیدگی مجدد به آرای دادگاههای کیفری دانسته است.^۱ همچنین دکتربین، نقض مقررات دادرسی و تحصیل دلیل از طرق نامشروع را برخلاف حقوق بشر و مقررات قانون اساسی (آخوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۱) و فاقد ارزش و اعتبار قضایی (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۰) دانسته است. اما در مجموعه قوانین، رویه‌های قضایی و دکتربین حقوق ما در خصوص بطلان ادله و سلب اعتبار از دلیل رویکرد روشن و واضحی ندارد.

بند دوم. قلمرو بطلان یا حدود سلب اعتبار از دلیل

در حقوق کشورهای مختلف، تلاش می‌شود قلمرو عدم اعتبار دلیل با دقت در شدت صدمه (معیار عینی) و یا وضعیت روحی و روانی پلیس (معیار ذهنی) محدود شود، به گونه‌ای که با توجه به این معیارها، گاه صحبت از سلب اعتبار جزئی یا نسبی و یا سلب اعتبار مطلق از دلیل به میان می‌آید. (همان: ۲۹۱) در نظام‌های حقوقی با سیستم

۱. رای شماره ۳۹/۱-۱۰/۱۳۸۰/۱۱/۱۰ شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور و رای شماره ۱۴/۱۵۹-۲۱/۱۱/۱۳۸۰/۱۱ شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور (طباطبائی، ۱۳۸۱: ۱۱۲ و ۱۱۸).

گسترش عدم اعتبار دلیل به ادله بعدی یا سیستم محدودیت اعتبار دلیل به خود دلیل مواجه هستیم ولی در آیین دادرسی کیفری فرانسه از سیستم بینابینی مبنی بر آزادی ارزیابی قاضی درباره قلمرو اعتبار دلیل پیروی شده است. براین اساس، بند دوم ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد که «شعبه تحقیق تصمیم می‌گیرد آیا بطلان باید به تمام یا قسمتی از اعمال یا اسناد دادرسی باطل شده محدود شود یا به تمام یا قسمتی از دادرسی بعدی نیز گسترش یابد»^۱. منظور از اعمال دادرسی، «کلیه اعمالی است که در راستای جستجوی ادله توسط بازپرس یا در جریان تحقیقات توسط پلیس انجام شده است».

(Cass.crim., ۳۰ juin ۱۹۸۷: Bull.crim.n° ۲۷۶)

بنابراین در مورد قلمرو بطلان اعمال دادرسی، شعبه تحقیق تصمیم‌گیری می‌نماید. شعبه جنایی دیوان عالی کشور در این خصوص براین عقیده است که فقط در صورتی باید اعمال دادرسی باطل شود که «این اعمال، ریشه و بقاء خود را بر مبنای اعمال باطل شده قرار داده باشند». (Cass.crim., ۲۳ juin ۱۹۹۹: Bull.crim. n° ۱۴۹) مثلاً هنگامی که بازجویی باطل می‌شود، این بطلان باید به صورت جلسه استماع شهادت کس در مـــــورد اسناد توقیف شده در جریان بازجویی استماع شده است گسترش یابد. (Cass.crim., ۴ juin ۱۹۹۷: Bull.crim.n° ۲۲۱) ولی برعکس بطلان تحت نظر به بطلان تحت بررسی و استقرار تحت بازداشت تسری نمی‌یابد: «به مجرد اینکه این دو تدبیر

اخیر، توجیه خود را در عناصر تحصیل شده پیش از تحت نظر پیدا کنند».
(Cass.crim., ۲۶ mai ۱۹۹۹: Bull.crim.n° ۱۰۶)

پس تحصیل دلیل با عدول از قواعد دادرسی منجر به رد و بطلان دلیل می‌گردد. که این بطلان نیز می‌تواند موجب ابطال تمام یا قسمتی از اقدامات بعدی دادرسی گردد. براساس ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری «در کلیه موضوعات، شعبه‌ی تحقیق می‌تواند در جریان تحقیقات، به منظور اعلام بطلان اعمال یا اسناد در فرایند دادرسی،

۲. بند دوم ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز بر این سیستم بینابین تاکید می‌نماید.

توسط بازپرس، دادستان شهرستان، اصحاب دعوا یا شاهد همراه با مشاور^۱ مورد درخواست قرار گیرد^۲. موضوع درخواست بطلان از شعبه تحقیق می‌تواند شامل تقاضای بطلان برخی از اعمال مانند تحقیقات و بازجویی یا برخی از اسناد مانند نیابت قضایی یا صورت جلسات باشد ولی «درخواست بطلان نمی‌تواند در مورد تصمیمات قضایی قابل تجدیدنظر خواهی و اعتراض مطرح شود». (Cass.crim., ۳۰ juin ۱۹۸۷, Bull, crim.n° ۲۷۶) نیز اینگونه‌اند^۳. زیرا از اینگونه اعمال می‌توان در مراجع بالاتر، تجدیدنظر خواهی نمود. هر چند مرجع درخواست بطلان، شعبه‌ی تحقیق است ولی دیوان عالی کشور نیز در بسیاری از آرای خود تلاش نموده است قلمرو بطلان را محدود و تعیین نماید. به عنوان مثال، از دیدگاه شعب جنایی دیوان «بطلان یک جز از صورت جلسه منجر به بطلان کامل تحقیقات نمی‌گردد و ایرادی که ناشی از کشفیات غیرقانونی است به کشفیات قانونی سیرایت نمی‌کنند» (Cass.crim., ۱۱ févr. ۱۹۱۱: Bull.crim.n° ۹۷)

و «بطلان بازرسی و توقیف بدون دستور بر روی اعتبار تعقیب بی اثر است و برای قاضی منعی در توجه به کلیه عناصر دلیل مستقل از اعمال غیرقانونی بویژه اقراریر پیشین متهم که بدون اجبار تحصیل شده است، ایجاد نمی‌نماید».

(Cass.Crim., ۲۷ déc ۱۹۳۵ et ۱۱ juin ۱۹۴۹)

هر چند قانونگذار و رویه‌ی قضایی بر رعایت تشریفات و مقررات مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری تاکید می‌نمایند و مجازات عدم رعایت آنها را بطلان ادله تحصیلی و حتی فرایند تحقیق و دادرسی دانسته‌اند ولی در عین حال، در برخی شرایط محدود، به اصحاب دعوا اجازه‌ی اعتبار بخشی به فرایند دادرسی را داده‌اند. این شیوه فقط در مورد بطلان‌های بالقوه یا ذاتی امکانپذیر است. (Vergès, ۲۰۰۷: ۲۴۵) اصحاب

۱. شاهد همراه با مشاور (le témoin assisté) که مقررات مربوط به آن در مواد ۱-۱۱۳ و بعد از آن، قانون آیین دادرسی کیفری پیش-بینی شده است، براساس قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ به وجود آمده است. این شخص در معیت یک وکیل دارای وضعیتی ما بین متهم (شخص تحت بررسی) و شاهد است و بدون اینکه تحت بررسی و اتهام قرار گیرد از برخی حقوق شناخته شده برای اشخاص متهم بهره-مند می‌گردد.

۲. Art. ۱۷۰ c.pr.pén.

۳. Art. ۱۷۳ al.۴ c.pr.pén.

دعوا که مدعی نقض تشریفات اساسی هستند به استناد ماده ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توانند از این تشریفات چشم پوشی کنند و به دادرسی جنبه‌ی قانونی بخشند. این انصراف باید صریح بوده و در حضور وکیل داده شود.^۱

از اعمال و اسناد باطل شده دیگر نمی‌توان علیه اصحاب دعوا استفاده کرد زیرا «استخراج هر گونه اطلاعات علیه اصحاب دعوا از اعمال و اسناد یا قسمتی از اعمال یا اسناد باطل شده ممنوع است و مجازات اقدام به این عمل، تعقیب انتظامی و کلا و قضات است».^۲

با مذاقه در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران مشخص می‌گردد که قانونگذار در مورد ادله‌ی اثبات در امور کیفری مانند اقرار و شهادت شرایطی را در نظر گرفته است که عدم رعایت این شرایط باعث سلب اعتبار و مشروعیت دلیل می‌گردد. مثلاً اختیار و قصد در زمره شرایط اقرار و شهادت است^۳ و قانونگذار اجبار و اکراه اشخاص به ادای شهادت و اقرار و حتی اتیان سوگند را باعث سلب ارزش و اعتبار و قابلیت استناد این ادله دانسته است.^۴ بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که ملازمه‌ی عقلی و منطقی بطلان چنین ادله‌ای ایجاب می‌کند که فرایند دادرسی یا تحقیقاتی که بر مبنای ادله‌ی باطل شده استوار گردیده‌اند یا به گفته‌ی دیوان عالی کشور فرانسه «ریشه و بقاء خود را بر مبنای اعمال باطل شده قرار داده‌اند» (Cass.crim., ۲۳ juin ۱۹۹۹, précité.) نیز باطل و متوقف گردند و اعمال یا اسناد باطل شده از فرایند دادرسی خارج و هرگونه استخراج اطلاعات از آنها، علیه متهم ممنوع گردد.^۵ اما متأسفانه در رویه‌ی قضایی ایران ملاحظه می‌گردد که گاه اینگونه از ادله‌ی باطل شده یا فاقد شرایط و اوصاف قانونی به عنوان «قرینه و اماره» در نظر گرفته می‌شوند و حتی گاه یکی از طرق دستیابی قضات به علم و اقناع وجدانی قرار می‌گیرند^۶، در حالی که

۱. Art . ۱۷۲ c.pr.pén.

۲. Art. ۱۷۴ al.۳ c.pr.pén.

۳. رک: مواد ۱۱۶، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۸۹، ۱۹۹ و ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی.

۴. رک: اصل ۲۸ قانون اساسی.

۵. در روایات معصومین (ع) به این امر تصریح شده است و اقرار با شکنجه و تهدید را معتبر نمی‌دانند و اصلاً چنین اقراری را اقرار نمی‌دانند و حدود را بنابر چنین اقراری جاری نمی‌کنند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

۶. در دادنامه شماره ۹۴۲-۳۰/۷/۱۳۸۶ شعبه ۱۰۲۷ دادگاه عمومی

«مستندات علم قاضی باید معتبر و غیرمخدوش باشد»^۱ و «با موازین معتبر شرعی و قانونی» انطباق داشته باشد^۲. پذیرفتن ادله‌ای که اعتبار قانونی دلیل را ندارد، «تحت عنوان قرینه، گرچه برای قضاوت و اجرای عدالت، لازم و مفید تشخیص داده شود، موجب می‌گردد که در تحصیل دلیل توسل به طرق نامشروع و غیر صادقانه تعمیم یابد و در نتیجه به حقوق فردی صدمه و لطمه بزند» (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۲) به هر حال در رویه‌ی قضایی ایران، رویکرد صریح و روشنی در این خصوص دیده نمی‌شود و تا حدودی با تشتت آرا مواجه هستیم. البته لازمه‌ی ایجاد یک خط مشی صحیح و واحد در مورد قلمرو بطلان و حدود اعتبار ادله مخدوش، تدوین قانون در این زمینه است.

بند سوم. آیین دادرسی بطلان

عدم رعایت تشریفات قانونی یا اساسی به تنهایی برای ابطال اعمال یا اسناد دادرسی کافی نیست، بلکه بنابر اصلی که قانونگذار^۳ و رویه‌ی قضایی (۲^o Bull.crim. n° ۱۹۹۶: ۳ janv. Cass.crim.) بر آن تاکید دارند (یعنی اصل «بدون اعتراض، بطلان وجود ندارد»^۴)، نقض تشریفات و مقررات قانونی باید موضوع درخواست و شکایت ذینفع قرار گیرد. از آنچه گفته شد، دو نکته استنباط می‌گردد: نخست اینکه فقط اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آنهاست و به اصطلاح ذینفع محسوب می‌شوند، حق درخواست بطلان ادله‌ی تحصیلی و دادرسی را دارند. مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «لطمه به منافع اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آنهاست» را موجب بطلان دانسته و رویه‌ی قضایی نیز در آرای خود بر ذینفع بودن مدعی بطلان تاکید نموده است (۳۰۴^o Bull.crim.n° ۱۹۹۹: ۱۴ déc. Crim., ۵۴^o Bull.crim.n° ۲۰۰۴: ۴ mars cass.crim mars مقرر می‌دارد «بطلان اعمال دادرسی نمی-

(کیفری) تهران، آمده است که هر چند شهادت فاقد شرایط قانونی بوده و حتی شاهد از آن عدول نموده است ولی از آنجا که به ذکر جزئیات پرداخته است، این شهادت در کنار سایر قرائن و امارات مؤید مجرمیت متهم است.

۴. رای اضرائی کیفری شماره ۲۰ مورخه ۱۳۸۰/۱۰/۲۵ (رسولی، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

۵. رای اضرائی کیفری شماره ۱۰ مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۳.

۳. Art. ۱۷۳ c.pr.pén.

۴. Pas de nullité sans grief.

تواند صادر شود، مگر هنگامی که عدم رعایت قانون به منافع مدعی لطمه وارد آورد». (Cass.crim., 18 mars 1976, Brahim: Bull.crim.n° 101) این قانون، اشخاصی را که می‌توانند درخواست بطلان اعمال یا اسناد در فرایند دادرسی را مطرح نمایند اعم از بازپرس، دادستان، اصحاب دعوا یا شاهد همراه با مشاور دانسته است. مقامات قضایی فقط می‌توانند راساً در مورد بطلان‌های مربوط به نظم عمومی دخالت کنند. (Fourment, 2007: 54)

دوم اینکه بدون اعتراض و شکایت اشخاص ذینفع، امکان بطلان اعمال یا اسناد دادرسی وجود ندارد. رویه‌ی قضایی با تفکیک بطلان‌های مربوط به نظم عمومی از بطلان‌های مربوط به منافع خصوصی، فقط درخواست بطلان اعمال یا اسناد لطمه زنده به منافع خصوصی اشخاص را بدون شکایت آنها قابل بررسی و دستور به بطلان ندانسته است؛ (Vergès, 2007: 240) مثلاً دیوان عالی کشور، گزارش شفاهی را که باید توسط یکی از مستشاران شعبه‌ی تحقیق ارائه شود یکی از تشریفات مربوط به دادگاه دانسته و عدم رعایت آنرا لطمه به منافع خصوصی اشخاص ندانسته است. لذا تصمیم‌گیری در مورد بطلان فرایند دادرسی را برعهده مقامات قضایی نهاده است. (Cass.crim., 27 oct. 1997: Bull.crim.n° 351). همچنین در یکی دیگر از آراء خود به صراحت ذکر نموده است که در «مسائل صلاحیت در موضوعات کیفری و نظم عمومی» نیاز به شکایت اصحاب دعوا وجود ندارد. (Cass.crim., 5 août 1982: Bull.crim.n° 205) حتی رویه‌ی قضایی به مراجع کیفری اجازه داده است تا هنگامی که عدم رعایت قواعد دادرسی به کشف و جستجوی حقیقت لطمه وارد می‌آورد، حتی بدون شکایت اصحاب ذینفع دعوا، اعتراض و اقدام نمایند؛ به عنوان نمونه، دادگاه تجدیدنظر «دویه»^۱، اقرارهای تحت نظررا که به صورت غیرقانونی تحصیل شده است به علت لطمه به تحصیل حقیقت، باطل اعلام کرده است. زیرا «به شخص متهم، تحت نظر قرار گرفتن او، ابلاغ نشده و شخص بدون دلیل، دور از محل سکونت خود، ساعت‌ها بازجویی شده است، بدون اینکه ساعت‌های بازجویی و استراحت در صورت جلسه ذکر شود و یک چنین مجموعه غیرقانونی می‌تواند باعث اقدام به اعتراف و خدشه به جستجوی حقیقت گردد». (Ibid: 240) رای ۲۷ فوریه ۱۹۹۶ دیوان عالی

۱. Douai.

کشور، توسل به مکر و حيله را باعث تخديش حقيقت و لطمه به اصل مشروعيت تحصيل دليل دانسته است و در نتيجه مجموعه فرايند دادرسي که ناشی از خدعه و فريب بوده است را باطل اعلام (Cass.crim., ۲۷ fêv ۱۹۹۶, JCP ۱۹۹۶, II, ۲۲۶۲) و حتی به بطلان دادرسي‌های فرعی نیز اقدام نموده است. (Cass.crim., ۱۹ janv. ۱۹۹۹: Bull.crim.n° ۹)

رويهی قضايی، نقض حقوق دفاعی اشخاص را از مصاديق بارز لطمه به منافع خصوصي اشخاص دانسته و به عنوان مثال، به بطلان گزارش کارشناس که در مهلت مقرر قانونی آنرا ارائه نکرده است، به علت لطمه به حقوق دفاعی اشخاص رای داده (Cass.crim., ۱۶ oct. ۱۹۷۹: Bull.crim.n° ۲۸۱) و «هرگونه تاخير ناموجه در تفهيم حقوق» را ضرورتاً لطمه به منافع اشخاص مربوط برآورد نموده است. (Cass.crim., ۳۰ avril ۱۹۹۶: Bull.crim.n° ۱۸۲.)

در مورد شنودهای تلفنی نیز شعبه جنایي فقدان شکایت شخصی از سوی خواهان را مانع صدور حکم بطلان دانسته است در حالی که دیوان اروپایی حقوق بشر با این دیدگاه چندان موافق نیست. (C.E.D.H., ۲۴ août ۱۹۹۸, Lambert C/ france)

براساس ماده ۱-۱۷۳ قانون آیین دادرسي کیفری، شخص تحت بررسی باید درخواست بطلان اعمال تحقیقاتی و دادرسي پیشین یا مربوط به بازجویی خود در اولین حضور را ظرف مدت شش ماه از تاریخ شروع تحت بررسی مطرح نماید مگر در حالتی که او به علت بطلان آگاهی نداشته باشد. این قاعده در بازجویی‌های بعدی نیز اجرا می‌گردد. مدعی خصوصی و شاهد همراه با مشاور نیز باید درخواست بطلان دادرسي را ظرف مدت شش ماه از اولین استماع یا استماع‌های بعدی مطرح نمایند. بنابراین قانونگذار برای اقامه دعوی بطلان یک مهلت قانونی شش ماهه را در نظر گرفته است و هدف از این محدودیت زمانی، اجتناب از این موضوع است که طرف دعوایی مطلع از وجود نقص دادرسي، تا پایان رسیدگی منتظر نماند تا به هدف تاخیر در دادرسي، در آخرین لحظات درخواست بطلان را مطرح و فرايند دادرسي را به طور کامل ابطال نماید. اصحاب دعوا باید در طرح درخواست بطلان خود، سرعت عمل داشته باشند و از هرگونه اقدامی که منجر به اطاله دادرسي می‌گردد خودداری نمایند.

در پایان تحقیقات نیز، اصحاب دعوا یک مهلت بیست روزه از تاریخ اعلام ختم تحقیقات برای طرح درخواست بطلان در اختیار دارند و پس از پایان این مدت،

هیچگونه درخواستی قابل پذیرش نیست.^۱

قابلیت پذیرش درخواست توسط رئیس شعبه تحقیق بررسی و در صورت موجه بودن درخواست، پرونده برای دادستان استان ارسال می‌گردد.^۲ دادستان استان، پس از دریافت پرونده در مهلت قانونی، پرونده را بررسی و آماده می‌نماید و سپس با توضیحات و نظر خود، آنرا مجدداً برای شعبه تحقیق ارسال می‌نماید. شعبه تحقیق ظرف مدت دو ماه از وصول پرونده، در خصوص درخواست بطلان یا عدم آن، اعلام نظر نموده^۳ و تصمیم می‌گیرد که آیا بطلان به تمام یا قسمتی از اعمال یا اسناد دادرسی باطل شده، محدود گردد یا به تمام یا قسمتی از دادرسی‌های بعدی نیز تسری یابد.^۴ اما تردیدی باقی نمی‌ماند که ابطال اسناد یا اعمال تحقیقاتی و دادرسی مانع از مجازات مرتکبین اعمال نامشروع در تحصیل ادله که اقدامات و عملکرد آنها به منافع اشخاص و گاه اجتماع لطمه وارد آورده و در نهایت منجر به ابطال ادله و یا دادرسی گردیده است، نیست.

بند چهارم. مجازات اعمال ابطال‌کننده دلیل

هنگامی که عدم رعایت قواعد دادرسی و بویژه توسل به اعمال نامشروع در تحصیل دلیل، عنصر تشکیل دهنده جرم معینی را محقق سازد، ممکن است با ضمانت اجرای کیفری نیز مواجه گردد. در تحصیل دلیل باید تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص رعایت گردد. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد «هریک از مستخدمین و ماموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت». در مورد سایر اشخاص نیز، قانونگذار آنها را ملزم به احترام به تمامیت

۱. Art. ۱۷۵ C.pr.pén.

۲. Art. ۱۷۳ C.pr.pén.

۳. Art. ۱۹۴ C.pr.pén.

۴. Art. ۱۷۴ C.pr.pén.

جسمانی^۱ و معنوی^۲ افراد اجتماع نموده و لطمه به تمامیت اشخاص را مقید به ضمانت اجرای کیفری کرده است. در حقوق کیفری فرانسه نیز تعرضات علیه تمامیت جسمانی و روانی اشخاص، تحت عناوین شکنجه، رفتارهای وحشیانه، خشونت و تهدید در مواد ۱-۲۲۲ تا ۲-۱۸-۲۲۲ قانون جزا با ضمانت اجرای کیفری حبس و جزای نقدی مواجه گردیده است. در تحصیل دلیل همچنین باید حرمت زندگی خصوصی اشخاص رعایت گردد. به همین علت، قانونگذار در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، به منظور احترام به حریم منزل و مسکن اشخاص، مستخدمین و ماموران قضایی یا غیرقضایی را از ورود بدون اجازه به منزل دیگری یا عدم رعایت ترتیبات قانونی منع نموده است و برای ارتکاب این اعمال، مجازات حبس در نظر گرفته است. ماده ۸-۴۳۲ قانون جزای فرانسه نیز تعرض به حرمت مسکن اشخاص توسط مقامات عمومی را مستوجب دو سال حبس و سیصد هزار یورو جزای نقدی دانسته است.

قانونگذاران ایران^۳ و فرانسه^۴ همچنین اشخاص عادی را از تعرض به منزل و مسکن دیگران منع نموده و برای آن مجازات تعیین کرده‌اند. حریم مراسلات و ارتباطات مکتوب و تلفنی اشخاص نیز توسط قانونگذار مورد حمایت قرار گرفته است و مقامات دولتی و اشخاص عادی در حقوق ایران^۵ و فرانسه^۶ ملزم به احترام به این حریم در تحصیل ادله هستند و نقض این حریم دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته شده است. علاوه بر آنچه گذشت، اصل مشروعیت تحصیل دلیل از اصحاب حرّف و مشاغلی که به مناسبت شغل و وظیفه امین محسوب می‌شوند، حفظ اسرار و رازداری را طلب می‌نماید و هرگونه افشای اسرار اشخاص را بدون مجوز قانونی، قابل مجازات کیفری می‌داند.^۷

علاوه بر ضمانت اجرای کیفری مقرر برای تحصیل دلیل با نقض قواعد دادرسی، قانونگذار در پاره‌ای از موارد برای مقامات قضایی و پلیسی و دست‌اندرکاران

۱. ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی.
۲. ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی.
۳. ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی.

۴. Art. ۲۲۶-۱ C.pén.

۵. مواد ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۵ قانون تشکیل شرکت پست.

۶. Art. ۴۳۲-۹ et ۲۲۶-۱۶ C.pén.

۷. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۳-۲۲۶ و ۱۴-۲۲۶ قانون جزای فرانسه.

عدالت کیفری، ضمانت اجراهای انضباطی در نظر گرفته است. از این ضمانت اجراها تحت عنوان مجازات انتظامی یا انضباطی (اداری) در قانون نامبرده شده است. نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها مصوب ۱۳۰۴/۱۲/۱۳ و ماده ۴ قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۰۸ و ماده اول قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۱۷/۱۰/۱۱ تقصیرات انتظامی قضات و مجازاتهای انضباطی آنها را تعیین نموده است. ارتکاب اعمالی که برخلاف حیثیت و شرافت امر قضا و نقض سوگند قضایی دادرسان محسوب شود، دارای ضمانت اجرای انتظامی انفصال موقت و یا دائم از خدمت قضایی است و بی تردید توسل به مکر و حیل در تحصیل دلیل برخلاف اعتبار و شان مقام قضا و انشای رای براین اساس مخالف شرافت و وجدان قضایی است. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح علاوه بر مجازاتهای کیفری، قانونگذار تخلفات انضباطی افراد نظامی را نیز مورد توجه قرار داده و در این مورد مجازاتهای انتظامی یا انضباطی مقرر داشته است.^۱ این اشخاص، جرائمی را که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.^۲ براساس بند شماره ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف نیروهای انتظامی، انجام وظایفی است که برطبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده آنها گذارده شده است. کشف جرم، بازرسی و تحقیق و حفظ آثار و ادله جرم در زمره این وظایف قرار می‌گیرد. بنابراین هرگاه نیروهای پلیس در مقام ضابط دادگستری به منظور تحصیل و جمع آوری ادله مرتکب اعمالی گردند که جرم محسوب شود یا تخلف انضباطی و انتظامی به حساب آید، قابل مجازات کیفری و انضباطی هستند. وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری نیز ملزم به حفظ اسرار و اطلاعات اصحاب دعوا می‌باشند و هرگونه اقدام که منجر به افشای اطلاعات موکلین و یا اصحاب دعوا گردد، دارای ضمانت اجرای انتظامی و انضباطی است.^۳

در حقوق کیفری فرانسه نیز «هرگونه خطای قاضی در جریان انجام وظایف

۴. ماده ۱۳۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

۵. تبصره ۲ ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲.

۱. ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ و تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸.

شغلی نسبت به حیثیت، نزاکت یا منزلت» امر قضا، تخلف انضباطی محسوب شده (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۴) و بر پایه این سوگند قضایی که «همواره به عنوان یک قاضی شریف و درستکار رفتار نماید»، فقدان صداقت و عدم رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل از مصادیق بارز تخلف انتظامی و قابل مجازات دانسته شده است. (Cass.crim., (Bull.crim.n^o۱۷۴: ۱۹۹۴: ۳۱ mai ماموران پلیس قضایی علاوه بر مجازاتهای کیفری، در صورت انجام اعمالی که برخلاف قوانین و مقررات باشد، با ضمانت اجراهای انضباطی مواجه می‌شوند. براساس ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلیس قضایی، کشف جرایم مذکور در قانون جزا، جمع آوری ادله و جستجوی مرتکبین جرایم را برعهده دارد و شعبه تحقیق نیز بر فعالیت آنها نظارت می‌کند^۱ و در صورت ارتکاب جرم یا تخلف انضباطی «بدون خدشه به ضمانت اجراهای انتظامی که می‌تواند توسط مقامات عالی رتبه به افسران و ماموران پلیس قضایی تحمیل شوند»، شعبه تحقیق می‌تواند آنها را به طور موقت یا دائم از فعالیت در حوزه دادگاه تجدیدنظر یا در کلیه سرزمین فرانسه منع نماید.^۲ براساس قواعد کلی پذیرفته شده در حقوق ایران و فرانسه و بویژه ماده ۱ قانون مسوولیت مدنی و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و همچنین ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، هرگاه از عملکرد مسوولین اجرای عدالت در تحصیل ادله به اصحاب دعوا ضرر و زیان مادی یا معنوی وارد آید، با احراز شرایط قانونی، آنها دارای مسوولیت مدنی و ملزم به جبران خسارت اشخاص هستند. بدیهی است عمومیت دادن امر و قبول مسوولیت مدنی در هر مورد موجب اختلال در اقدامات ماموران تحقیق خواهد شد و از این جهت مقتضی است دامنه شمول این مسوولیت محدود شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۵).

نتیجه گیری

مرکز ثقل دعاوی، دلیل است. ادله به عنوان وسایلی که از نظر قانونی بتوانند وجود یا عدم وجود یک واقعه یا صحت و سقم یک موضوع را تایید کنند، از مهمترین و اساسی ترین مسائل آیین دادرسی کیفری به حساب می‌آیند. هرچند کشف حقیقت، هدف و

۱ . Art. ۲۲۴ C.pr.pén.

۲ . Art ۲۲۷ C.pr.pén.

منظور اساسی دادرسی کیفری است ولی این مهم نمی‌تواند با عدول از قواعد دادرسی و با توسل به وسایل و شیوه‌های غیرقانونی به دست آید. شان و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی مستلزم رعایت اصول و قواعد دادرسی است. قانونگذار نیز در این راستا تلاش نموده است با طرح نظریه بطلان و تعیین ضمانت اجراهای کیفری و انضباطی، رعایت قواعد دادرسی را تضمین نماید. در حقوق کیفری فرانسه قانونگذار نه تنها فصل خاصی از قانون آیین دادرسی کیفری را به بطلان تحقیقات و ادله اختصاص داده است، بلکه در خلال مواد قانونی نیز این ضمانت اجرا یعنی بطلان ادله را یادآور گردیده است. رویه‌ی قضایی و دکترین نیز قلمرو بطلان ادله، آثار و آیین دادرسی حاکم بر آنرا تعیین و تفسیر نموده‌اند. برخلاف حقوق فرانسه، در حقوق کیفری ایران. به این موضوع توجه نشده است و فقط در پاره‌ای از مواد قانونی درباره سلب ارزش و اعتبار از ادله‌ای که اصل مشروعیت تحصیل دلیل را نادیده گرفته باشند، مقررات پراکنده‌ای به چشم می‌خورد.

آنچه که می‌توان از وضعیت کنونی حقوق ایران استنباط نمود این است که ادله‌ی اثبات در امور کیفری شرایطی دارند که عدم رعایت این شرایط باعث سلب ارزش و اعتبار و عدم قابلیت استناد به آنها می‌گردد. ملازمه‌ی عقلی و منطقی بطلان چنین ادله‌ای این است که فرایند دادرسی یا تحقیقاتی که بر مبنای ادله باطل شده استوار گردیده‌اند باطل و متوقف گردد و اعمال یا اسناد باطل شده از فرایند دادرسی خارج و هرگونه استخراج اطلاعات از آنها علیه متهم ممنوع گردد. به هر حال، برای تضمین اجرای صحیح قواعد و اصول دادرسی، تعریف و تبیین سیستم بطلان ادله در آیین دادرسی کیفری ایران نیز ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، اندیشه‌ها، چاپ اول، قم، انتشارات اشراق، جلد چهارم.
۲. تدین، عباس (مترجم)، (۱۳۸۶)، قانون دادرسی نیروهای مسلح فرانسه، پلی کپی، سازمان قضایی نیروهای مسلح.

۳. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲)، ادله اثبات دعاوی کیفری، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴. رسولی، عبدالرحمن، (۱۳۸۰)، نمونه آراء محاکم دادگستری ایران (گزیده آراء محاکم بدوی و تجدیدنظر)، چاپ اول، انتشارات فردوسی، مجموعه دوم.
۵. طباطبائی، سیدعبدالرضا، (۱۳۸۱)، گزیده‌ای از موارد تجدیدنظر فوق‌العاده، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۴)، ادله اثبات دعوا، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۷. Chiavario, Mario, (۱۹۹۹), "Limites en matière de preuve dans la nouvelle procédure pénale italienne, Revue de sciences criminelles.
۸. Delmas-Marty, Mireille (۱۹۹۵), procédures pénales d'Europe, ۱ ère édition, paris, Puf.
۹. Fourment, François, (۲۰۰۷), procédure pénale, ۷ème édition, Editions paradigme.
۱۰. Guinchard, Serge et Jacques Buisson, (۲۰۰۷), procédure pénale, ۵ème édition paris, Lexis Nexis Litec
۱۱. Pradel, Jean, (۲۰۰۷), Manuel de procédure pénale, ۱۳ ème édition, paris, cujas Vergès, Étienne, (۲۰۰۷), procédure pénale, ۱ère édition, paris, Lexis Nexis, Litec.
۱۲. "Les nullités: un contrôle efficace de la procédure?" (۲۰۰۵), chroniques, Revue AJ pénal.